

آلمانی در زندگی (۱)

Deutsch im leben

بادی گویش دری و فارسی

تألیف و ترجمه: زمیری شاهین

به کوشش: مسلم قاسمی



انتشارات پنجره ای به روشنایی

- سرشناسه : شاهین، زمری، ۱۳۳۶ ـ گردآورنده، مترجم
- عنوان و پدید آور : آلمانی در زندگی (۱) = deutsch im leben /
- تألیف ترجمه زمری شاهین، به کوشش مسلم قاسمی،
- مشخصات نشر : تهران: پنجره ای به روشنائی، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص. : مصور.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۹۷-۳۰-۹
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- موضوع : زبان آلمانی - خودآموز
- موضوع : زبان آلمانی - راهنمای آموزشی - فارسی زبانان
- شماره افزوده : قسمی، مسلم، ۱۳۳۳، گردآورنده، ویراستار
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ش۳ الف/۱۲۹ PF۳۱۲۹
- رده بندی دیویی : ۴۳۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۵۲۵۴۱



عنوان: آلمانی در زندگی Deutsch im leben

بیادو گویش دری و فارسی

تألیف و ترجمه: زمری شاهین

به کوشش: مسلم قاسمی

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۲۰۰۰

انتشارات: پنجره‌ای به روشنائی

شابک: ۹ - ۳۰ - ۷۶۹۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نشانی: خیابان کارگر- چهارراه لشگر- نبش غفاری- پلاک ۲۲۱

تلفن: ۵۵۴۰۸۴۰۶

Ghasemi.ketab@yahoo.de

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

Inhaltsverzeichnis

فهرست

Vorwort

مقدمه

1. Ein Dialog zwischen zwei Personen ۱. گفتگو بین دو شخص
2. Eine Anmeldung beim Kindergarten ۲. ثبت نام طفل در کودکستان
3. Eine Einschulung in einer Schule ۳. ثبت نام طفل در مکتب (مدرسه)
4. In der Klasse ۴. در صنف (کلاس درس)
5. Der Lehrer fragt ۵. معلم سوال می کند
6. Einen Antrag für die Schule schreiben ۶. نوشتن درخواست برای مکتب (مدرسه)
7. Einen Antrag an eine Lehrerin schreiben ۷. نوشتن درخواست به معلمه (خانم معلم)
8. Eine Entschuldigung für die Schule schreiben ۸. نوشتن یک معذرت نامه (عذرخواهی) برای مکتب (مدرسه)
9. Zu Hause ۹. در خانه
10. Einen Termin beim Arzt vereinbaren ۱۰. گرفتن وقت ملاقات در نزد داکتر (پزشک)
11. Beim Arzt ۱۱. نزد داکتر (پزشک)
12. Eine Woche später beim nächsten Termin ۱۲. یک هفته بعدتر در ملاقات دیگر
13. Eine Untersuchung beim Arzt ۱۳. معاینه به نزد داکتر
14. Beim Zahnarzt ۱۴. به نزد داکتر دندان. (دندانپزشک)

15. Beim Essen ۱۵. هنگام غذا
16. Tägliche Konversationen ۱۶. مکالمات روز مره
17. Ein Telefongespräch ۱۷. یک صحبت تلفونی (تلفنی)
18. Ein Besucher kommt ۱۸. یک ملاقات کننده می آید
19. Eine Besichtigung einer Mietwohnung ۱۹. بازدید از یک منزل کرائی (کرایه ای)
20. Ein Antrag wegen Wohnungsschäden beim Sozialamt schreiben ۲۰. نوشتن درخواست بخاطر خسارت خانه در دفتر خدمات اجتماعی
21. Eine Benachrichtigung bei der Post wegen einer neuen Wohnhaft. ۲۱. یک خبر (اطلاع) به نزد پست به خاطر یک سکونت نو (جدید)
22. Ein Gespräch mit der Telekom wegen einem neuen Telefonanschluss ۲۲. یک صحبت با شرکت Telecom به خاطر وصل یک تلفون جدید
23. Ein Telefongespräch mit der Telekom ۲۳. یک صحبت تلفونی با شرکت مخابرات
24. Ein Anruf bei der Familienkasse ۲۴. یک تلفون به اداره صندوق خانواده
25. Eine Information vom Flughafen ۲۵. معلومات از میدان هوایی (کسب اطلاعات از فرودگاه)
26. Eine Reise bei einer Fluggesellschaft buchen ۲۶. ثبت یک سفر در شرکت هوایی (فرودگاه)
27. Ein Anruf bei der Taxizentrale ۲۷. یک تلفون به مرکز تاکسی
28. Eine Reise mit Intercity nach Hamburg

۲۸. یک سفر با قطار (Intercity) به طرف هامبورگ

29. Eine Reise nach England mit dem Schiff

۲۹. یک سفر با کشتی به طرف انگلستان

30. Eine Reise nach Frankreich mit dem Bus

۳۰. یک سفر با موتر سرویس (اتوبوس) به طرف فرانسه

31. Ein Anruf beim Hausbesitzer

۳۱. تیلیفون (تلفن) به صاحب خانه

32. Eine Benachrichtigung über eine Geburtstagsfeier

۳۲. اطلاعیه در مورد جشن تولد

33. Ein Anruf bei der Feuerwehr

۳۳. یک اطلاع تیلیفونی به اطفایه (مرکز آتش نشانی)

34. Einen Termin beim Standesamt wegen einer Hochzeit vereinbaren

۳۴. قرار گذاشتن یک وقت، در اداره ثبت احوال، بخاطر یک عروسی.

35. Eine Benachrichtigung über das fertige Büffet bei einer Hochzeit

۳۵. یک خبر در مورد بوفه آماده شده در یک عروسی

36. Eine Benachrichtigung über die Eheschließung der Braut und des Bräutigams

۳۶. یک خبر در مورد عقد و نکاح عروس و داماد

37. Eine Begrüßung für die Gäste bei einer Hochzeit

۳۷. خوش آمدید (خیر مقدم) در یک عروسی برای مهمانان

38. Bei einer Beerdigung

۳۸. در یک خاک سپاری

39. Eine Beileidkarte

۳۹. یک کارت تسلیت

40. Eine Benachrichtigung über ein falschparkendes Auto

۴۰. یک خبر به خاطر موتر (اتومبیل) اشتباه پارک شده

41. Eine Kündigung bei einer Versicherung

۴۱. فسخ یک قرار داد به نزد بیمه

42. Einen Kaufvertrag schreiben

۴۲. نوشتن یک قرار داد خرید

43. Eine Kündigung bei einem Handyanbieter

۴۳. فسخ قرارداد به نزد عرضه کننده تلفون دستی

44. Die Kündigung des Fitnessvertrags

۴۴. فسخ قرار داد زیبایی اندام

45. Eine Bewerbung um einen Arbeitsplatz bei der Firma

REWE

۴۵. تقاضا نامه به خاطر یکجای کار در شرکت REWE

46. Ein Gespräch zwischen Kunde und Verkäufer im

Supermarkt

۴۶. صحبت بین مشتری و فروشنده در سوپرمارکت

47. Ein Anruf bei Neckermann wegen einer neuen

Ratenzahlung

۴۷. یک تلفون به شرکت نیکرمن بخاطر پرداخت قسط جدید

48. Ein Dialog mit einem Polizisten

۴۸. گفتگو با یک پولیس (پلیس)

49. Eine telefonische Meldung bei der Polizei wegen einer

Schlägerei

۴۹. خبر تلفونی به خاتریک جنگ (زدو خورد، نزاع) به نزد پولیس

50. Ein Anruf wegen einem Autoschaden bei der Polizei

۵۰. یک تلفون به نزد پولیس به خاطر خسارت موتر.

51. Eine telefonische Meldung bei der Polizei wegen einem Unfall

۵۱. اطلاع تلفونی به خاطر یک حادثه به نزد پولیس

52. Eine schriftliche Anzeige bei der Polizei wegen einem Unfall und Fahrerflucht

۵۲. یک شکایت تحریری (کتبی) به نزد پولیس به خاطر یک حادثه و فرار راننده (۱)

53. Eine schriftliche Anzeige bei der Polizei wegen einem Unfall und Fahrerflucht.

۵۳. یک شکایت تحریری (کتبی) به نزد پولیس به خاطر یک حادثه و فرار راننده (۲)

54. Eine schriftliche Anzeige bei der Polizei wegen einem Unfall und Fahrerflucht.

۵۴. یک شکایت تحریری به نزد پولیس به خاطر حادثه و فرار راننده (۳)

55. Ein Anruf bei der Polizei wegen einem Hilfeschrei

۵۵. یک تلفون به نزد پولیس (پلیس) به خاطر فریاد کمک (کمک خواستن)

56. Ein Anruf bei der Polizei wegen eines abgeschleppten Autos

۵۶. یک تلفون به نزد پولیس (پلیس) به خاطر یک موٹر انتقال داده شده

57. Ein Anruf bei der Polizei wegen Lärmbelästigung

۵۷. تلفون به نزد پولیس به خاطر سروصدا یا مزاحمت

58. Eine Bestätigung bei der Polizei

۵۸. یک تأیید یا تصدیق به نزد پولیس

59. Eine telefonische Meldung wegen einem Einbruch bei der Polizei

۵۹. یک خبر تلفونی به نزد پولیس به خاطر نزدی

60. Eine Aussage bei der Polizei

۶۰. یک اظهار بیان (شهادت) به نزد پولیس

61. Eine schriftliche Anzeige bei der Polizei wegen einem verkauften Auto

۶۱. یک شکایت کتبی به خاطر یک موتر (اتومبیل) فروخته شده

62. Eine Anzeige wegen Körperverletzung

۶۲. یک شکایت به خاطر جراحت جسمانی

63. Eine Verleumdung

۶۳. یک تهمت

64. Ein Anruf bei der Polizei

۶۴. تلفون به نزد پولیس

65. Ein Anruf beim Abschleppdienst

۶۵. تلفون به نزد سرویس انتقالات

66. Bei der Zulassungsstelle

۶۶. به نزد پولیس جاده (راهنمایی و رانندگی)

67. Bei der Ausländerbehörde

۶۷. در دفتر خارجیها (۱)

68. Bei der Ausländerbehörde

۶۸. در دفتر خارجیها (۲)

69. Eine Bestätigung für die Ausländerbehörde

۶۹. یک تصدیق (گواهی) برای دفتر خارجیها

70. Eine Anzeige wegen einer Beleidigung bei einem Anwalt

۷۰. شکایت به خاطر توهین به نزد یک وکیل

71. An dem angegebenen Gerichtstermin kommt der Anwalt mit seinem Mandanten vor Gericht und der Prozess beginnt

۷۱. وکیل با موکل اش به وقت ملاقات ذکر شده در محکمه می‌ایند و...

72. Ein Dialog zwischen zwei Personen über ein Auto

۷۲. گفتگو بین دو نفر در مورد یک موتر

**73. Ein Dialog zwischen einem Fahrer und dem ADAC
über ein kaputtes Auto auf der Autobahn**

۷۳. یک گفتگو بین راننده و ADAC (تعمیرگاه سیار) در مورد یک موتور خراب شده در اتوبان

74. Ein Dialog zwischen 2 Personen beim Mechaniker

۷۴. گفتگو بین دو شخص نزد مستری (مکانیسین)

**75. Eine telefonische Meldung im Baumarkt wegen einer
fehlerhaften Ware**

۷۵. یک خبر تلفونی به مغازه ساختمانی به خاطر یک جنس یا مال کمبود یا ناقص

**76. Ein Beratungsgespräch wegen dem Kauf einer
Wohnung durch die Bank**

۷۶. یک صحبت مشورتی به خاطر خرید یک منزل توسط بانک

77. Ein schriftlicher Antrag beim Ladenbesitzer

۷۷. یک درخواست کتبی به نزد صاحب مغازه یا دوکان

78. Ein Antrag beim Rathaus

۷۸. یک درخواست بنزد شاروالی (شهرداری)

79. Beim Friseur

۷۹. نزد سلمانی (آرایشگر)

80. Eine Bewerbung um einen Ausbildungsplatz als Pilot

۸۰. یک تقاضا نامه بخاطر یک جای تحصیلی بحيث پیلوط (خلباتی)

81. Ein Beratungsgespräch beim Arbeitsamt

۸۱. یک صحبت مشورتی با اداره کار

82. Der zweite Teil: Grammatik

۸۲. بخش دوم: دستور زبان

به نام خدا

گفتار مؤلف:

سلام‌های گرم و بی پایان خود را خدمت خواهران و برادران عزیز و گرامی و خوانندگان این کتاب تقدیم می‌دارم. بعد از چندین سال تدریس زبان آلمانی و انگلیسی در کشور عزیزم افغانستان و برای مدت کوتاهی در کشور آلمان، لازم دیدم با نوشتن سه جلد کتاب (آلمانی در زندگی) گوشه‌ای از مشکلات آن عده عزیزانی که تا به حال نتوانسته‌اند نظر به مشکلات کاری، خانوادگی و یا کمبود کتاب‌های درسی به لسان (زبان) دری و فارسی بر لسان آلمانی تسلط پیدا کنند، بر طرف شود. به همین خاطر سعی شده است مکالمات روزمره آلمانی با رعایت مفهوم کلی تا حدودی به گونه‌ای نزدیک با ساختمان بندی آن ترجمه شود تا خواننده ضمن یادگیری کلمات با نحوه جمله بندی آن نیز آشنا شود. امیدوارم که شما از این کتاب استفاده لازم و کافی را نموده و در قسمت کمی و کاستی آن مرا مورد پوزش قرار دهید.

زمری شاهین

دنیای امروز دنیای ارتباطات و نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر است. از جمله این نزدیک شدن‌ها شناخت زبان و فرهنگ دیگر ملت‌هاست. مهاجرت‌ها و کوچ‌ها، انسان‌ها را بر آن می‌دارد که با زبان و فرهنگ کشور مهمان‌آشنایی لازم را پیدا کنند تا بتوانند نیازهای زیستی خود را در آن کشور بر طرف نمایند.

کتاب حاضر حاصل تجربه‌ایست از نیازهای هموطنان ایرانی و افغانی و کلیه فارسی‌زبانانی که کشورهای آلمانی زبان را برای زندگی انتخاب کرده‌اند، بنابراین سعی شده است با شناختی که از زندگی در این کشورها و ارتباطاتی که این شهروندان با ادارات و ارگان‌های فرهنگی، تربیتی و عمومی دارند، آنها را با مضامین مختلف و مثال‌های ساده آشنا ساخته تا خود بتوانند حتی‌الامکان نیازهای اولیه خود را بر طرف نموده و کمتر دست کمک بسوی دیگران دراز نمایند، که این خود برای زندگی در کشور میزبان بسیار مهم و ارزشمند است. در ضمن، زمینه‌ایست که فرد بتواند شخصاً مشکلات خود را مطرح و در حل آن بکوشد.

مؤلف و ناشر به دلیل برخی واژه‌های ناآشنا در گویش‌های افغانستانی و ایرانی برای برقراری ارتباط با هم،

تصمیم گرفته‌اند که با جایگزینی کلمات هم معنی و مترادف ،
بگونه‌ای محدود، برخی واژه‌های معمول در گویش ایرانی را در
پیرانتز جای داده، تا این مجموعه را برای همه شیرین‌تر و قابل
فهم‌تر نمایند. پدید آورندگان این مجموعه بر این باورند که
نیازی به جدا کردن این دو گویش نیست. چه با کلام و چه با
بیان! و سعی نموده‌اند در حد امکان از بکار بردن الفاظی چون
دری و فلوسی و... خود داری نمایند. و با تاسی به این بیت
شیوای حکیم فردوسی طوسی کتاب حاضر را به همه پارسی
زبانان تقدیم نمایند.

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
امید است با پیشنهادات و نظرات خود ما را در تصحیح و ترمیم
این کتاب در چاپ‌های بعدی و تهیه جلد دوم و سوم (متوسط و
عالی) این مجموعه یاری نمایند. با تشکر

مسلم قاسمی